

تأثیر مدرنیسم بر ساختار کالبدی - فضایی شهر ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی: شهر کاشان)

احمد پورا احمد^{۱*} (نویسنده مسئول)، ابوذری وفایی^۲

^۱ استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
^۲ دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۸/۰۵)

چکیده

یکی از پدیده‌های فرهنگی و انسانی پدیده شهر و شهرنشینی است که ماهیت و اندیشه نظام حاکم تا حدود زیادی به سبب آن به نمایش گذاشته می‌شود. شهر اسلامی نیز بازتابی از اندیشه‌های متعالی دین مبین اسلام در تمامی جوانب است. تا قبل از شهرسازی معاصر، نحوه شکل‌گیری اصول طراحی شهر کاشان عمدتاً مبتنی بر ارزش‌های سنتی و رویکردهای فرهنگی - اسلامی بود. بنابراین در ساختار کالبدی این شهر فضاها به گونه‌ای استقرار یافته بود که هیچ یک از نیازها و موقعیت‌ها نقش اخلاقی و معنوی را خدشه‌دار نمی‌ساخت و روابط بنیادی در شهر به گونه‌ای بود که انسجام و معنویت را در میان ساکنان آن به وجود می‌آورد. با ورود مدرنیسم به جهان اسلام در یک سده اخیر شهر کاشان نیز در کارکرد، ساختار کالبدی و سازمان فضایی با دگرگونی‌های عظیمی مواجه شد؛ به طوری که در ساختار جدید، با احداث خیابان‌های سراسری، نظام محله‌ای شهر به کلی دستخوش تغییر گردید. لذا این پژوهش بر آن است ضمن تحلیل ویژگی‌های شهرسازی دوره اسلامی با شهرسازی مدرن با رویکرد مقایسه‌ای به این سؤال پاسخ دهد که مهم‌ترین مؤلفه‌های مدرنیسم که ساختار کالبدی - فضایی شهر کاشان را از مسیر اصیل اولیه دگرگون ساختند، کدامند؟ روش پژوهش براساس مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و به شیوه توصیفی - تحلیلی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، شهر تاریخی کاشان تا قبل از شهرسازی معاصر از سازمان فضایی خاص و استخوان‌بندی اندام‌وار منحصر به فرد برخوردار بود و بر اساس الگوی مشخصی توسعه یافت. اما تحت تأثیر مؤلفه‌های مدرنیسم هم‌چون تقلید از ساخت و سازهای غربی، سعی در تشابه با بیگانه و ساختار پراکنده و چند هسته‌ای، ساخت منسجم و متمرکز شهر تاریخی جای خود را به ساختار غیر متمرکز و چند هسته‌ای معاصر داده است.

واژگان کلیدی: شهر اسلامی، مدرنیسم، ساختار کالبدی - فضایی، شهر کاشان.

مقدمه و بیان مسأله

شهرهای دوره پس از ورود اسلام به ایران دارای عناصر و فضاهایی بودند که تا قبل از ورود فرهنگ غربی، اتومبیل و رواج الگوهای جدید، دست نخورده ماندند. اجزای سه گانه و مهم ارگ، مسجد جامع و بازار به همراه محله‌های مسکونی، کاروان‌سراها، شبکه معابر ارتباطی و سایر فضاها و عناصر شهری، همه با نظم و دقتی حساب شده در بافت شهرها جای گرفته و مجموعه‌های کاملی را پدید آورده بودند. در شهر ایرانی-اسلامی هر چه هست تبلوری است از محیط زیست، فرهنگ و آداب و سنن. «اما به دنبال رسیدن موج فراگیر شهرسازی‌های جدید بعد از انقلاب صنعتی به ایران» علاوه بر از بین رفتن ویژگی‌های فیزیکی و پیوستگی کالبدی شان، بسیاری از خصوصیات فرهنگی و اجتماعی خود را نیز از دست دادند (مشهدیزاده دهقانی، ۱۳۷۴: ۳۶۱-۳۶۰). در این فرایند، شهر کاشان از جمله شهرهایی بود که از پیامدهای منفی این دگرگونی‌ها به دور نماند، به طوری که تغییر ساختار کالبدی شهر علاوه بر این که نظام و ساختار بافت قدیم را بر هم زد، تضعیف آن را نیز در پی داشت. فضاهای مسکونی بدون توجه به فضاهای آموزشی، خدماتی و عمومی لازم گسترش یافتند، نظام محله‌ای در هم شکست، جدایی‌گزینی اجتماعی نمودی کالبدی یافت و مناطق فقیرنشین و اعیان‌نشین کاملاً از هم قابل تشخیص شدند. بنابراین آن‌چه امروزه با عنوان بحران و آشفتگی در ساختار کالبدی شهر ایرانی-اسلامی از جمله کاشان دیده می‌شود، نتیجه گسست فرهنگی و تزریق مؤلفه‌های غیر بومی و غیر اسلامی بر بیکره آن در دهه‌های اخیر بوده است. در این زمینه تلاش برنامه‌ریزان شهری در جهت احیای مؤلفه‌های شهرسازی ایرانی-اسلامی در سازمان فضایی شهر امری ضروری است. این پژوهش در نظر دارد ضمن مقایسه تطبیقی فضای شهری در شهرهای ایرانی-اسلامی در دوره‌های قبل و بعد از مدرنیسم به این سؤال پاسخ دهد که مهم‌ترین مؤلفه‌های مدرنیسم که ساختار کالبدی-فضایی شهر کاشان را از مسیر تاریخی و اصیل اولیه دگرگون ساختند، کدامند؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

با ورود مدرنیسم به جهان اسلام بویژه در یک سده اخیر شهرهای کشورهای اسلامی با ژرف‌ترین دگرگونی‌ها در کارکرد، ساختار و کالبد روبه‌رو شده‌اند (قالیباف و پورموسوی، ۱۳۸۶: ۲۰۷). «بطوری که شهرها و عمارات مسلمانان تقلید و تکرار الگوهای بیگانه و غربی هستند که از جهان بینی حاکم بر مغرب زمین معاصر نشأت گرفته‌اند که این جهان بینی با اصول و ارزش‌های منبعث از جهان بینی اسلامی در بسیاری موضوعات و زمینه‌ها در تضاد و تناقض می‌باشد» (نقی زاده، ۱۳۸۷: ۴۸۳). امروزه بی‌هویتی، مصرف‌گرایی، انواع آلودگی‌ها، بهداشت نامناسب، ترافیک، تقلید از بیگانه، عدم تجلی ارزش‌ها و ده‌ها مشکل دیگر در شهرهای ایرانی-اسلامی با شاخص‌ها و مؤلفه‌های شهر اسلامی گذشته در تضاد می‌باشد. لذا لحاظ نمودن مؤلفه‌هایی همچون

«انسان‌گرایی، اندیشه‌گرایی، پیشروگرایی، معنویت و اخلاق، جهت‌گیری‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی و محیطی در راستای انسان‌شناسی و سرانجام خداگرایی و آخرت‌گرایی در ساخت مورفولوژیک» (رحیمی، ۱۳۸۴: ۹۷) شهرهای ایرانی-اسلامی امروز از اهمیت بسزایی برخوردار است. «از طرف دیگر ضرورت احیای ارزش‌های از دست رفته و وجود میراث عظیم تاریخی-فرهنگی در کانون جهان اسلام یعنی شهرهای خاورمیانه از یک سو و تداوم رشد جمعیت این شهرها در آینده و بروز مشکلات مربوط به مسکن، تسهیلات شهری و توسعه کنترل نشده، ضرورت تلفیق الگوهای نظری و علمی و تلفیق سنت و مدرنیته و برنامه‌ریزی و توجه بیشتر به این شهرها را بیان می‌نماید» (قالیباف و پور موسوی، ۱۳۸۶: ۲۰۷). در این پژوهش توجه به اثرات مدرنیسم بر ساختار کالبدی-فضایی شهر تاریخی همچون کاشان که در گذشته نمایانگر نمونه‌ای از شهر ایرانی-اسلامی بوده و همچنین تلاش در جهت احیاء مجدد مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر اسلامی اهمیت و ارزش پژوهش را نمایان می‌نماید.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیق بنیادی است و نگاه حاکم بر آن در تمام بخش‌ها تحلیل محور است که البته در کنار آن از ابزار توصیف و تطبیق داده‌ها نیز استفاده شده است. با عنایت به این که تلاش می‌شود فضای شهری در شهرهای ایرانی-اسلامی در دوره‌های مختلف قبل و بعد از مدرنیسم بررسی شود، لذا از طریق بررسی متون و منابع، چارچوب نظری با رویکرد مقایسه‌ای و تحلیلی تدوین و در ادامه با مقایسه تطبیقی ویژگی‌های شهرسازی اسلامی با شهرسازی مدرن، تأثیرات مؤلفه‌های مدرنیسم بر ساختار کالبدی-فضایی شهر کاشان بررسی و نکاتی از آن استنباط و تحلیل می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

الگو و ساختار کالبدی شهر ایرانی-اسلامی قبل از مدرنیسم
شهر اسلامی را می‌توان شهری دانست که در آن مظاهر تمدن اسلامی نمود داشته و هر یک از اجزای چنین شهری یادآور حضور خداوند است (کلانتری خلیل آباد و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۵). بافت شهر اسلامی تحت تأثیر قوانینی است که نتیجه سنت حضرت محمد(ص) و قوانین مرسومش است. مورفولوژی شهرهای اسلامی بدین گونه است که خانه‌ها اغلب در واحدهای همسایگی هستند و به وسیله پل‌هایی پوشانده شده‌اند یا در انتهای خیابانی باریک قرار دارند. از دلایل عمده این نوع مورفولوژی، ایجاد مشکل نفوذ به این کوچه‌ها بود. این سیستم در هیچ جای شهرهای غربی معمول نیست (Burckhardt, 1992: 166). تفاوت اصلی شهرهای اسلامی و غربی در مفهوم و استفاده از فضاهای عمومی و محلی و مالکیت‌هاست (Kahera, 1997: 5).

بنابراین «فرهنگ اسلام که نوع خاصی از فرهنگ دینی با نمود مردمی است، دو نوع تأثیر عمده بر شهرهای ما گذاشت. الف) تغییر رفتار شهرنشینی مردم، ب) تحول صورت ظاهری شهرها. همچنین اسلام با دو راهبرد رویه شهرها را تغییر داد: الف) تولد عناصر جدید شهر: فرهنگ جدید نیازمند عناصری جدید بود که ظهور آنها، تأویل جدیدی از تبلور کالبدی شهر را ارائه می‌کرد. معماری، بناهای جدیدی را به این جامعه هدیه داد. مساجد، تکایا، امامزاده‌ها، مدارس قدیم و... از دیگر عناصر خاص این دوره است. ب) تغییر و تکامل عناصر قدیمی: بازارها و محله‌ها نیز در این دوران تعاریف کاملی به خود گرفتند؛ به طوری که تصویر ذهنی ما از این عناصر همان است که در دوره اسلامی شکل گرفته است. میادین، راه‌ها و کاروان‌سراها نیز از جمله این عناصر هستند. الگوی برآمدن شهر ایرانی- اسلامی در منطقه شهری که به روض مشهور شد بر اساس الگوی شهرنشینی تکامل یافته تری صورت می‌گرفت که خود بازتابی از شرایط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران بود. در این الگو عناصر اصلی زندگی شهری در منطقه روض استقرار می‌یافتند. الگوی مزبور نشانگر گذار مناسب اجتماعی از نظام اجتماعی باستانی ایران به نظام اجتماعی جدید ایران در دوره اسلامی و انعکاس آرمانی آن در شکل شهر ایرانی و اسلامی بود» (ضرابی و علی‌نژاد طیبی، ۱۳۸۹: ۱۸).

به‌طور کلی انقلاب کالبدی را که با آمدن اسلام در ایران روی داد، می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

الف) تغییر نطفه از دژ به مسجد: در این زمان مسجد تنها یک عبادت‌گاه نیست، بلکه در حکم قلب و مرکز اعصاب شهر است. تصمیم‌گیری‌های سیاسی، تشکیلاتی و عقیدتی، صدور فتاوی، بسیج، اعلام خطر و غیره در مسجد صورت می‌گیرد. به‌علاوه امت واحده اطراف مسجد شکل می‌گیرد.

ب) گسترش حومه شهر: اعراب اطراف دژ مستقر می‌شدند زیرا دژ را متعلق به دربار و طاغوت می‌دانستند، این امر باعث گسترش روض‌ها شد.

ج) ایجاد محله‌ها: نظام عشیره‌ای حاکم بر سپاه مسلمانان باعث می‌شد که هر طایفه در محلی جداگانه استقرار می‌یافت. محله‌بندی بر اساس مذهب و قوم و یا خصوصیت جغرافیایی صورت می‌گرفت.

د) گردش جهت خانه‌ها به سوی قبله: نیاز مسلمانان به ادای نماز به سوی قبله به تدریج خانه‌هایی را که تا این زمان اکثراً شمالی جنوبی ساخته می‌شد تغییر جهت داده و به سمت قبله قرار گرفتند.

ه) رونق بازار: این امر به دو دلیل بود: یکی امت واحده، و دیگری تشویق اسلام به تجارت.

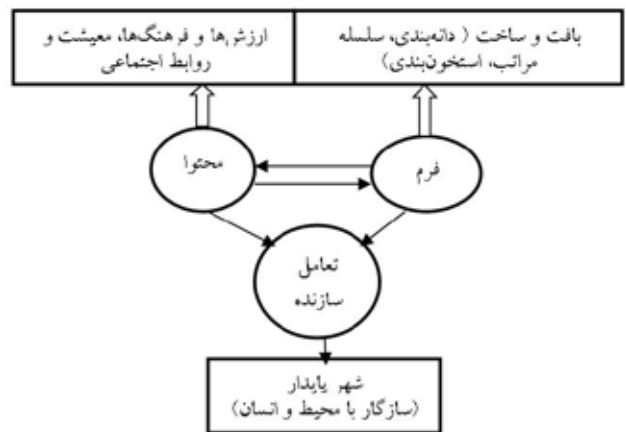
و) رشد شهرها: با آمدن اقوام و ایجاد محله‌های مختلف، شهرها از حالت دژ خارج و دارای سکنه عادی شدند.

ز) اندام‌وار شدن شبکه شهری.

ح) بین‌المللی شدن شهرها: استقرار سپاهیان اسلام که از طوایف

تصویر جهان در شهر اسلامی بر اساس پیوند و وحدت زندگی مادی و معنوی به رابطه جدانشدنی اقتصاد، سیاست و مذهب اشاره دارد و بر این اساس هویت ویژه خود را می‌سازد. شهرهای مسلمان‌نشین بر اساس سه عنصر یگانه شده مذهب، حکومت و تجارت برای امتی واحد شکل گرفته‌اند و تجلی کالبدی این عناصر، مسجد، ارگ و بازار است که ساختار شهر بر مبنای مرکزیت آنها شکل می‌گیرد. در شهر اسلامی نه تنها ساختار کالبدی شهر از مرکز آن متبلور می‌شود، بلکه این ساختار به طور ذاتی تمامی توجهات را نیز به طرف مرکز معطوف می‌دارد. پیام نمادین آن سازمان‌دهی روابط سلسله‌مراتبی «فرم» و «عملکرد» هر دو به‌سوی مرکز است؛ یعنی وحدت (پایلی یزدی و رجیبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۱۴۴). الگوی شهرهای کهن ایرانی- اسلامی در گذشته با اتکای بر دو عامل اساسی شکل گرفته است. در جایگاه نخست اسلام به عنوان نظام کمال یافته اجتماعی، فرهنگی، ارزشی و تعالی بخش انسان‌ها و در جایگاه بعدی معماری ایرانی به منزله تجلی‌گاه کالبد فرهنگ ایرانی در ساختارهای فیزیکی قرار دارد. این شهرها با توجه به ویژگی‌های کاربردی اقتصادی، پویایی اجتماعی و تعالی فرهنگ در کنار آسیب‌های اندک محیط‌زیستی تا حدودی شکل شهر پایدار توسعه یافته را ارتقا داده‌اند (یزدگرد، ۱۳۹۰: ۷۹).

شهرهای ایران در دوره پس از ورود اسلام در ابتدا با همان شکل اولیه به حیات خویش ادامه دادند. اجزای سه گانه کهن دژ، شارستان و روض که به عنوان اجزای اصلی شهرهای ایرانی زمان ساسانیان در ساخت شهرها پدید آمده بودند در سال‌های اولیه نیز اجزای شهرهای اسلامی را تشکیل دادند. به تدریج بر طبق ویژگی‌هایی که شهرنشینی و شهرسازی پس از حاکمیت اسلام دارا شد تغییراتی در ساخت شهرها صورت گرفت (مشهدیزاده، ۱۳۷۴: ۲۴۵). آنچه در شهرهای ایرانی- اسلامی مطرح است رعایت کلیه اصول زندگی بومی است. در واقع شهر ایرانی- اسلامی شکل تبلور یافته فرهنگ محیط خود است. تطابق فرم و محتوا زمینه هم‌زیستی پایدار و رفاه شهروندی را در شهر ایرانی- اسلامی فراهم کرده که هویت نمود بارز آن است. نمودار شماره ۱ بیانگر روابط اندام‌وار فرم و محتوا در شهر ایرانی- اسلامی است (پور احمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۰).



نمودار شماره ۱: روابط آرکانیک و پایدار فرم و محتوا در شهر ایرانی- اسلامی

و اقوام متفاوت بودند و بعدها تجار که حتی هندی و چینی و ترک میان آنان دیده می‌شد، راسته‌ها و محله‌های جدیدی را بر اساس تعلقات قومی خود تشکیل دادند (جمشیدی، ۱۳۹۱: ۸).

اگر بخواهیم نمادی کلی از شهر ایرانی-اسلامی طراحی کنیم، می‌توانیم شکل شماره ۱ و ۲ را به عنوان الگو بپذیریم. این نماد در سال ۱۹۶۹ توسط دتمان ترسیم شد.

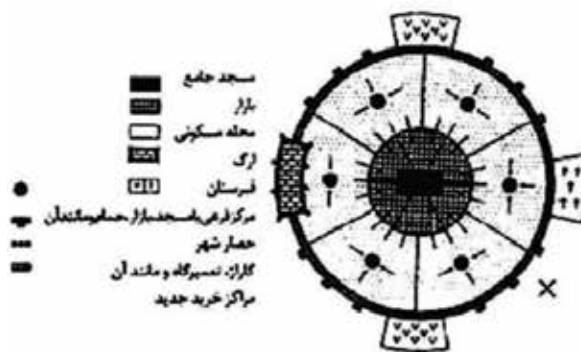
از نظر دتمان و ویرث شهرهای سنتی ایرانی - اسلامی کارکردها و ویژگی‌هایی به شرح زیر دارند:

الف) وجود سلسله مراتبی از کارکردها با مسجد آدینه و بازار به عنوان هسته مرکزی فضایی هر شهر اسلامی.

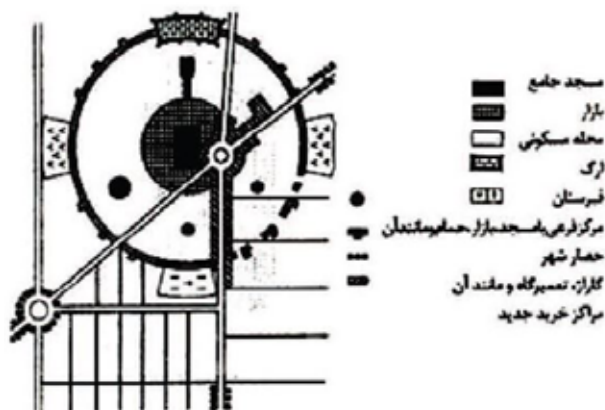
ب) وجود سلسله مراتب بازرگانی و پیشه‌وری در درون بازار به طوری که نه تنها نظم و ترتیب مشخصی از فعالیت‌های کسب و کار و صنف بندی در سراسر مجموعه بازار به چشم می‌خورد بلکه از نظر بازرگانی، دکان‌ها با کالاهای مرغوب و طراز اول در مجاورت هسته بازار و گذرگاه‌ها یا راسته‌های معتبر بوده و داد و ستد کالاهای کم ارزش تر در فاصله دورتری از مرکز جایگزین شده‌اند.

ج) وجود محله‌های مسکونی درون شهر با جدایی‌گزینی مناسب و هماهنگ با تفاوت گذاری‌های اجتماعی، قومی، دینی و ... مردم شهر. د) وجود تأسیسات و استحکامات نظامی - دفاعی مانند حصار، برج، بارو، دروازه، بندها و دربندهای محله‌ها.

ه) مشخصات خاص دیگری نظیر گورستان‌ها و بازارهای دوره‌ای بیرون باوری شهر (پوراحمد و یزدانی، ۱۳۸۴: ۳۲-۳۱).



تصویر شماره ۱: مدل دتمان از شهرهای اسلامی سنتی



تصویر شماره ۲: مدل دتمان از شهرهای اسلامی مدرن

بنابراین «شهرسازی قبل از ۱۳۰۰ در ایران حاوی نشانه‌هایی بود که گویای نمونه‌های ویژه شهر سنتی خاورمیانه به شمار می‌رفت. معماری رایج و شهرسازی وابسته به آن تابعی بود از انواع مصالح ساختمانی، دانش فنی و اعتقادات و باورهای دینی و در مناطق مختلف متناسب با آن چه طبیعت از انواع مصالح ساختمانی مانند سنگ، چوب و گل در اختیار انسان می‌گذاشت از آن‌ها استفاده می‌کرد. رعایت و تأکید بر انواع جدایی‌گزینی در ادوار مختلف از ویژگی‌های کلی شهرسازی بوده که در شکل‌گیری شهرها نقش داشته است» (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۹).

شهر ایرانی - اسلامی بعد از مدرنیسم

دوره بعد از رنسانس در اروپا تغییراتی در زندگی بشر و سبک زندگی انسان ایجاد نمود که بحران‌های شهر موجود از آن سرچشمه می‌گیرد. این دوره را مدرنیته می‌نامند که رویکردی به جنبه‌های مختلف فرهنگ دارد. در واقع مدرنیته محصول انسان جدید و تفکر اوست، بنابراین شناخت انسان مدرن و مدرنیته می‌تواند کمک زیادی در شناخت عمیق بحران‌های شهری موجود کند. ویژگی این دوران که در ایجاد تغییر و بحران‌های شهری نقش زیادی داشتند خروجی مدرنیته و نمود خارجی آن مدرنیسم است. در واقع مدرنیسم فرایندی برنامه‌ریزی شده برای هدایت افراد است؛ اجرایی‌ترین لایه این فرایند را مدرنیزاسیون تشکیل می‌دهد. وظیفه مدرنیزاسیون در این بین آن است که نشان دهد الگوی موجود شهری و توسعه غربی بر سایر راه‌ها تفوق و برتری دارد (جابری مقدم، ۱۳۸۴: ۲۷ و ۱۳). بنابراین اگر خواسته باشیم یک سیر فکری از تأثیر مدرنیته در شهر و تفکر ساکنان داشته باشیم، باید اشاره کرد که مدرنیته، مدرنیسم را در پی دارد و مدرنیسم، مدرنیزاسیون را ایجاد می‌کند و نتیجه مدرنیزاسیون، گسیختگی در شهر است که بحران‌های موجود را خلق می‌کند. در واقع همان طور که اشاره شد تفکر مدرن به دلیل مادی بودن فقط با جنبه مادی انسان توجه دارد و جنبه مادی، تکثر را در پی دارد و این تکثرگرایی همان گسیختگی است که اشاره شد (غلامی، ۱۳۹۱: ۲۷).

شهرهای قلمرو تمدن اسلامی تا پیش از ورود عناصر مدرنیته در سیستم‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و فضایی خود از قوانین روحانی اسلام تبعیت می‌کردند. عمیق‌ترین دگرگونی‌ها در گذار شهرهای جهان اسلام از دوران ما قبل صنعتی به صنعتی و در اواخر قرن نوزدهم و در قرن بیستم رخ داده است که از آن به شهری شدن تحمیلی، مشروط و از خود بیگانه یاد می‌شود. لذا شهرهای جهان اسلام یا شهرهای اسلامی از هر منظری که به آنها نگریده شود و با هر واژه‌ای که تعریف شوند با پدیده مهمی روبه رو شده‌اند که همانا مدرنیسم یا نوگرایی است. با ورود مدرنیسم به جهان اسلام بویژه در یک سده اخیر، شهرهای کشورهای اسلامی با ژرف‌ترین دگرگونی‌ها در کارکرد، ساختار و کالبد روبه رو شده‌اند (قالیباف و پورموسوی، ۱۳۸۶: ۲۰۹). بنابراین

بسیاری مبتنی بر خواسته‌های بورژوازی در حال رشد، ایجاد شد. نقش بازار با احداث خیابان‌ها و ایجاد مراکز تجاری در کنار آنها و رواج تولیدات کارخانه‌ای تضعیف شده و نظام محله‌ای در هم شکست. عناصر مذهبی و کالبدی شهری کارکرد اصلی خود را از دست دادند. این تحولات چنان با سرعت صورت می‌گرفت که به همراه عدم کارایی و کفایت طراحی و برنامه‌ریزان و مسئولان، منجر به شکل‌گیری و تکوین شهرهایی شد که ناتوانایی خود را در تأمین اغلب نیازها و خواسته‌های شهروندان در بیش تر عرصه‌های حیات اجتماعی به اثبات رساندند (مشهدیزاده دهاقانی، ۱۳۷۴: ۳۸۵، ۳۸۳ و ۳۸۲). به‌طور مثال در دو دهه سلطنت رضاه شاه سبک جدیدی از معماری که به معماری سیمانی معروف بود ایجاد شد که در نتیجه آن مصالح جدید بویژه بتن، فولاد و شیشه و روش‌های نوآورانه در اجرای سازه جایگزین مصالح و روش‌های سنتی شد. بنابراین اقدامات انجام شده در زمان رضا شاه تغییرات فیزیکی بود که بدون توجه به نتایج اقتصادی و اجتماعی آن انجام می‌شد. این اقدامات به دنبال پیاده کردن الگوی مدرن‌سازی صورت گرفت و هدف این تغییر و تحولات ایجاد شهرهای مشابه با نمونه‌های غربی بود (حسین‌زاده دلیر و هوشیار، ۱۳۸۴: ۲۱۷).

جدول شماره ۱: بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شهرسازی اسلامی با شهرسازی مدرن

ردیف	شهرسازی اسلامی	ویژگی‌های اصلی
۱	بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و اقتصادی	فقدان امنیت اجتماعی و وجود فاصله طبقاتی
۲	مطابقت ساختار کالبدی با اقلیم محیط و عوارض طبیعی زمین	تقلید از ساخت و سازهای غربی و سعی در تشابه با بیگانه
۳	برابری و تواضع	نابرابری و اهتمام در تمایز از همگان
۴	ارجحیت معنویت بر مادیت	خودنمایی و فردگرایی
۵	پیوستگی فضایی در عناصر شهری	قطعه قطعه‌سازی بافت شهری و بیگانگی در منظر اجتماعی و کالبدی شهرها
۶	وجود قلمروهای خصوصی و عمومی در طرح‌های شهری	همسانی و همگانی بودن ذاتی فضاها
۷	توجه به هویت تاریخی، سنت، و مدنیت	قطع ارتباط با گذشته و نگرش معطوف به آینده
۸	وجود محله به عنوان یک واحد شهری	در هم شکستن اجتماعات محله‌ای
۹	انسجام شهری و تشکیل مجموعه واحد و منسجم	ساختار پراکنده و چند هسته‌ای
۱۰	شکل‌گیری فضاهای شهری با رعایت سلسله مراتب دسترسی	بی شکل بودن فضاهای شهری از لحاظ اندازه و عملکرد
۱۱	تقسیم‌بندی فضاها به سه دسته عمومی، نیمه عمومی و خصوصی	تک منظوره بودن به لحاظ عملکردی
۱۲	شکل‌گیری مناطق مختلف شهری با توجه به باورهای فرهنگی و اعتقادی	تقسیم‌بندی فضاهای شهری با توجه به امکانات اقتصادی

توسعه علم و تکنولوژی، دگرگونی در اقتصاد، نگرش سیاسی و پویایی فرهنگ‌ها در برنامه‌ریزی شهرهای کشورهای اسلامی مؤثر بوده و در بیش تر موارد، برنامه‌ریزی و نوسازی شهرها تحت تأثیر فرهنگ غربی، ساخت و بافت تازه‌ای به شهرهای اسلامی بخشیده است (حسین‌زاده دلیر و هوشیار، ۱۳۸۴: ۲۱۰).

از وجوه بارز مدرنیسم در برنامه‌ریزی شهری توجه به ساختمان‌ها برای افراد است (Goodchild, 1990: 121)؛ چیزی که سبب انزوای انسان معاصر گردید و با تحت تأثیر قرار دادن نمادهای شهری معضلاتی را به وجود آورد که از جمله آن‌ها می‌توان به اهمیت یافتن مسکن فردی، آپارتمان‌نشینی و عدم توجه به عرصه‌های عمومی و جمعی برای گذران اوقات فراغت اشاره کرد (نقی‌زاده، ۱۳۷۸: ۸۲) این عدم توجه به اجتماع محلی که همانا اجبار اقلیتی بر اکثریت است (Irving, 1993: 47) مشکلات زیادی را برای شهرها به وجود آورده است. در نتیجه برنامه‌ریزان در دهه ۱۹۶۰ توسعه الگوی مشارکتی را تقویت کردند تا به نوعی از طریق اهمیت دادن به اجتماع محلی روح تازه و پویایی به شهرها بدمند (Hatuka & D'Hooghe, 2007: 21)؛ کاری که ویژگی‌ها و عناصر شهرهای اسلامی در قدیم انجام می‌دادند. به رغم این اصلاحات که در تلاش بود آثار منفی مدرنیسم را تعدیل کند، این مکتب فکری، معیارهای شهرهای اسلامی را چنان دستخوش تحوّل کرد که هر چه از تاریخ این شهرها می‌گذرد، شهرهای اسلامی را تبدیل به شهرهایی بی روح کرد که ساکنانش از زندگی در آن چندان رضایت ندارند (متولی و شیخ اعظمی، ۱۳۹۲: ۵۴). در این دوره، شهرهای ایرانی-اسلامی از لحاظ کالبدی سه بخش مجزا را شکل دادند: الف) بخش متحوّل شده سنتی، ب) محله‌های جدید برنامه‌ریزی شده، ج) محله‌های حاشیه‌نشین (شکل شماره ۲). محله‌های جدید مطابق با اصول و قواعد ساخت و ساز برنامه‌ریزی شدند و تحت نظارت دولت و اداره شهرداری و سازمان‌های مربوطه به وجود آمدند. این محله‌های جدید از اصول شهرسازی معاصر و مدرن متأثر بودند. در این محله‌ها اصول شهرسازی ایرانی-اسلامی رنگ باختند، الگوهای جدیدی به تقلید از شهرسازی مدرن غرب جایگزین آنها شد. این محله‌ها در بیش تر موارد یا در زمین‌های بایر پیرامون شهر و یا در روستاهای نزدیک شهر که دارای آب و هوا و شرایط طبیعی مساعد بودند، به وجود آمدند و به تدریج روستاها و زمین‌های اطراف را بلعیدند (پوراحمد و یزدانی، ۱۳۸۴: ۳۳).

تأثیرات مدرنیسم در شهر ایرانی-اسلامی ابتدا در شکل ساختمان‌های شهری و معماری تک بناها و سپس به صورت تأثیر بر روی بافت و کالبد آنها نمایان شد. این دگرگونی‌ها در حقیقت تأثیراتی بود از رشد برنامه‌ریزی شهری در غرب که به تبعیت از ویژگی‌های سرزمینی و خصوصیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همان جوامع صورت گرفته بود. لذا از دهه ۱۳۰۰ به بعد در شهرهای ایران تغییرات کالبدی چشمگیری به وجود آمد. خیابان‌های

یافته‌ها و بحث

ساختار کالبدی و توسعه شهر کاشان قبل از مدرنیسم

کاشان قدیم به عنوان نشانه بارز معماری ایرانی-اسلامی گویای آن است که شهرسازی و معماری ایرانی-اسلامی هرگز با طبیعت بیگانه نبود. معماری در این شهر در حالی که برای ایجاد ساختمان مجبور به دخالت در طبیعت بود، اما نه تنها موجب انهدام آن نمی‌شد، بلکه توانسته بود تعادلی در این میان به وجود آورد. به علاوه برای ایجاد شهر و معماری اندام‌وار از کلیه رشته‌های علوم مانند جغرافیا، هندسه و آبیاری استفاده شده بود. در ادامه به برخی از مؤلفه‌های شهر اسلامی در کاشان اشاره می‌شود.

الف) وجود محله به عنوان یک واحد شهری

شهر کاشان در گذشته دارای ساختار مشخصی بود. حصار و بارویی که مرز محله را مشخص می‌کرد و قلعه‌ای که در نزدیکی آن حصار، محافظت یافت را از دشمنان ممکن می‌ساخت. دروازه‌های چند که مدخل‌های یافت بودند و گذرهایی که از این دروازه‌ها شروع می‌شدند و با عبور از محله‌ها و مراکز محله‌ها، آنان را به بازار (مرکز اصلی تجارت و رونق اقتصادی یافت) پیوند می‌زدند. شهر تاریخی به مثابه یک کل، مرکب از اجزا به صورت محله‌ها و مرکز شهر یعنی بازار بود. هر محله به صورت واحدی اداری، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و دینی جزئی از شهر محسوب می‌شد. محله‌های شهر سکونت‌گاه صاحبان حرفه و مشاغل خاص، اقلیت‌های دینی و طبقات اجتماعی مختلف بودند. از نظر کالبدی و فضایی مجموعه شهر، محله‌ها و مرکز شهر ترکیبی متحد و متجانس ایجاد کرده بودند.

همان‌طور که شهر دارای مرکز است، هر محله نیز دارای مرکز بود که عناصر عمده و فضای آن بنا بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی ساکنان محله شکل می‌گرفت. مرکز محله عناصر متفاوتی مانند مسجد، میدانچه، حسینیه، بازارچه و آب انبار را در خود جای می‌داد و محل قرارگیری آن در مسیر تقاطع دو یا چند گذر اصلی بود (بیرشک، ۱۳۷۵: ۱۸).

ب) انسجام شهری و تشکیل مجموعه واحد و منسجم به همراه شکل‌گیری مناطق مختلف شهری با توجه به باورهای فرهنگی و اعتقادی

شهر از استخوان‌بندی اصلی یافت (شبکه اندام‌وار معابر) و سازمان فضایی خاصی تشکیل شده بود. برج و باروی شهر، بازار، محله‌های شهری و گذرها از اساسی‌ترین اجزای تشکیل‌دهنده ساختار کالبدی شهر به شمار می‌رفتند.

تا قبل از سال‌های دهه ۳۰ هجری شمسی بافت قدیمی محصور در باروی شهر است. باروی شهر تا اوایل قرن چهاردهم دوام آورد و هنوز نیز بقایای آن در داخل برخی از منازل اهالی شهر موجود است. راه‌های ارتباطی در شکل‌گیری شهر نقش مهمی ایفا کردند. البته باید خاطر نشان کرد که یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری

راه‌های ارتباطی مسیر آب بود. رشد و توسعه خود به خودی تک تک واحدها و عناصر بافت در حاشیه و مسیر جریان آب، نوعی نظم را بر بافت حاکم کرد. بدین ترتیب می‌توان گفت نظم آب و به دنبال آن نظم خاک تأثیر زیادی در شکل‌گیری ساختار کالبدی شهر داشت. بازار از مهم‌ترین فضاهای عمومی شهر بود که در محل تقاطع راه‌های قدیم شکل گرفته بود. بازار، بافت قدیم شهر را که در میان بارو محصور بود به دو ناحیه اعیان‌نشین و فقیرنشین قسمت می‌کرد. قدیمی‌ترین محله‌ها و اعیانی‌ترین خانه‌های سنتی در جنوب شهر (محله سلطان میر احمد) قرار داشت. طبقات متوسط و پیشه‌وران در بخش‌های مرکزی در پیرامون بازار که در عین حال محل تجمع تأسیسات شهری نیز هست، ساکن بودند. بالاخره محله فقیرنشین شهر در حاشیه جنوب، جنوب شرقی و شمال شرقی و در قسمت‌هایی از کناره غربی قرار داشت.

تقسیمات بر اساس واحد محله صورت می‌گرفت؛ به عبارت دیگر در داخل این تقسیمات (اعیان‌نشین و فقیرنشین) واحدهای فضایی دیگری وجود داشت که معمولاً ساکنان آن از لحاظ فرهنگی یکدست بودند. وابستگی‌های مذهبی، قومی، خویشاوندی، حرفه‌ای و از این قبیل ساکنان یک محله را گرد هم می‌آورد. محله را می‌توان به عنوان واحد شهری که در عین استقلال به کل شهر نیز وابسته است در نظر گرفت. از این رو محله‌ها یکی از اجزای ساختار کالبدی شهر به شمار می‌روند.

واحد محله از چندین عنصر عمده شهری تشکیل شده است؛ راه یا مسیر اصلی، بازارچه، گذر، مرکز محله، مجتمعی است از مسجد، آب انبار، حمام، تکیه و احتمالاً یک امام‌زاده و کوچه‌های باریک که به خانه‌ها منتهی می‌شود که بیش‌تر آن‌ها بن‌بست هستند (حائری و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۷۳-۱۷۱).

ج) شکل‌گیری فضاهای شهری با رعایت سلسله مراتب دسترسی

بر خلاف راه‌های امروزی که در سطح شهر ارتباط برقرار می‌کنند، راه‌های ارتباطی داخل بافت بر اساس واحد محله سازمان می‌یافتند. بدین ترتیب راه‌های ارتباط قدیمی داخل بافت از سلسله مراتب مخصوص به خود برخوردار بودند. این سلسله مراتب را به صورت زیر می‌توان خلاصه کرد.

- الف) راه‌های عمده که به دروازه‌های شهر منتهی می‌شدند و چندین راه اصلی محله‌ها به آنها وارد می‌شد،
 ب) راه ارتباطی بین محله‌ها،
 ج) بازارچه‌ها و گذرهای داخل محله‌ها،
 د) کوچه‌های بن‌بست (پیشین: ۱۷۳).

با توجه به این سلسله مراتب، به این نتیجه می‌رسیم که کالبد بافت قدیمی از یک استخوان‌بندی منسجم و مبتنی بر اصول سلسله مراتبی برخوردار بود و کلیت خود را به صورت بافتی هماهنگ و یکپارچه حفظ کرده بود. استخوان‌بندی اساسی بافت قدیم، از سلسله مراتب معابر تشکیل شده که به فضاهای عمومی

داشته است. در مرحله بعد توسعه و گسترش شهر مدیون نظم آب و خاک بود. جهان‌بینی و نحوه نگرش به مذهب در این جریان اصول و ضوابطی را تحمیل کرده و بر نوع چیدمان فضاها تأثیر گذاشته بود. محدوده و مرز شهر به وسیله حصار و برج و بارو تجدید می‌شد تا ضمن ایجاد امنیت، توسعه آن را محدود سازد. در قلعه و کهن‌دژ شهر، اعیان و اشراف و در واقع به تدریج محله‌ها شهر شکل می‌گرفت (شارستان). این محله‌ها واحدهای فضایی خاصی بودند که از لحاظ دارا بودن برخی ویژگی‌های کالبدی و نیز مشخصات خاص ساکنان بومی آن، مانند وابستگی‌های مذهبی، قومی و خوشاوندی، حرفه‌ای و غیره غالباً یک‌دست و در عین استقلال به کل شهر نیز وابستگی داشتند. در بافت قدیمی کاشان، موقعیت کهن‌دژ در جنوب بافت قرار داشت و پیرامون آن در جهت جنوب شرقی تا جنوب غربی را شارستان شکل داده بود که محل سکونت اعیان و اشراف بود (مانند: محله سلطان میر احمد در گذشته) و پیرامون آن نیز ریح که بازار و محل سکونت پیشه‌وران و مردم متوسط قرار داشت (مهندسین مشاور طرح و منظر، ۱۳۸۳: ۳۹ و ۳۷) (نقشه‌های شماره ۳ تا ۷ نقشه توسعه شهر کاشان از صدر اسلام تا نیمه اول قرن چهاردهم).

مانند بازار و میدانی می‌پیوست و محله‌ها در اطراف آنان شکل می‌گرفتند و به این ترتیب ساختار بافت شکل گرفته و ارتباط محله‌ها به صورت اندام‌وار برقرار می‌شد (نقشه شماره ۱: شبکه معابر بافت تاریخی شهر کاشان).

د) مطابقت ساختار کالبدی با اقلیم محیط و عوارض طبیعی زمین
شهر کاشان تا پیش از رشد معاصرش محصور در باروی شهر و باروی شهر محصور در اراضی مزروعی بود. از طریق دروازه‌های موجود در بارو، شهر با جهان خارج ارتباط برقرار می‌کرد. اراضی مزروعی برای تأمین قسمتی از مایحتاج شهر کشت می‌شد، در داخل بارو، شهر با چهره معماری سنتی، بادگیرها، قوس‌ها و گنبدها، کوچه‌های نسبتاً تنگ و اندام‌وار مشخص می‌شد. مصالح خانه‌ها از خشت و احياناً آجر بود و دامنه‌های سقف با خیز قوس و گنبدها پوشانده می‌شد (حائری و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۶۲). بنابراین ساختار قدیمی شهر تاریخی دارای نظم خاصی بود که حتی گسترش و توسعه آن هم، موجب از هم پاشیدن این ساختار نمی‌شد. می‌توان گفت که در شکل‌گیری ساختار شهر موقعیت قرارگیری بر سر جاده‌های قدیمی که شرق را به غرب آسیا و شمال را به جنوب متصل می‌کردند، نقش زیادی

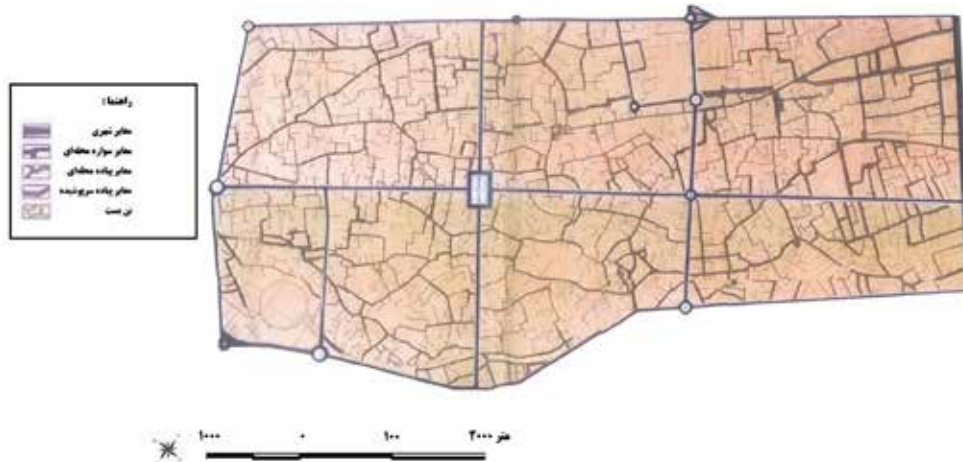
جدول شماره ۲: اشکال عمده توسعه کالبدی - فضایی شهر کاشان قبل از مدرنیسم

دوره زمانی	عناصر ویژه	ویژگی‌های اصلی
سلجوقیان و خوارزمشاهیان	کالبدی	* تشکیل شهر از دو بخش اصلی شامل: محدوده قدیمی شهر و دیگری قلعه جلالی و ساخت و ساز پراکنده اطراف آن که توسط یک حصار به هم پیوند یافته بود. * ساختار کالبدی شامل یک محور اصلی با الگوی خطی داشت.
	عملکردی	* استخوان‌بندی اصلی شهر دارای سه عملکرد حکومتی، مذهبی - فرهنگی و تجاری و خدماتی بود.
ایلخانی تا صفویه	دسترسی	* افزایش تعداد راه‌های ورود به شهر، * افزایش تعداد دروازه‌های شهر از سه به شش مورد، * پیوند همه راه‌ها در محدوده داخل حصار شهر توسط ستون فقرات شهر (بازار).
	کالبدی	* ساخت بناهای جدید به دلیل تبدیل شدن به مرکز عمده صنعتی در ایران، * ساخت مجموعه تحت عنوان دارالسیاره (شامل مسجد، مدرسه، پرورشگاه، درمانگاه، مسافرخانه و ...)، * حدود توسعه شهر محدوده داخلی حصار سلجوقی، * مجموعه استخوان‌بندی اصلی شهر متشکل از دو محور متقاطع بود که از نقطه تقاطع امتداد نداشت و لذا فرمی - شکل به خود می‌گرفت. سه هسته اصلی نیز بر سه رأس این فرم واقع بود. * توسعه محدوده استخوان‌بندی اصلی شهر از یک سو به حاشیه‌های شمالی و از سوی دیگر به جنوب غربی به دلیل ساخت دارالسیاره در شمال قلعه جلالی و مجموعه میدان سنگ در دوره بعد.
دسترسی	عملکردی	* عملکردهای عناصر الحاقی در این دوره عمدتاً مذهبی، فرهنگی، تجاری، و خدماتی بود. * در نظر گرفته شدن فضایی برای توسعه شهری، * رونق در کسب و کار مردم بر اساس فضای در نظر گرفته شده، * رها شدن شهر از حالت گسستگی و عدم پیوند و ایجاد هویت جدید برای شهر.
	کالبدی	* تعدد دروازه‌ها و مسیرهای منتهی به شهر، * سهولت رابطه بین استخوان‌بندی اصلی شهر با خارج آن به دلیل نزدیکی هر یک از دو هسته احداث شده در این دوره به یک دروازه شهر، * فقدان عملکرد خاص به لحاظ مسیر آمد و شد بین سه هسته استخوان‌بندی اصلی شهر، راسته بازار به عنوان یک مسیر ارتباطی با عملکرد تجاری و دیگر گذرهای اصلی شهر.
صفویه و قاجاریه	کالبدی	* ساختار کالبدی استخوان‌بندی اصلی شهر یک الگوی خطی دارد که محور اصلی آن همان راسته بازار است. * افزایش محدوده شهر از حصار سلجوقی در کنار دروازه دولت در شمال شرقی شهر و نیز در حدود دروازه اصفهان به سمت شرق، * قرار گرفتن نظام ساختار کالبدی شهر بر اساس محله‌های متعدد و مراکز محله‌ها، * بافتی فشرده و درون‌گرا غیر از میدان متعلق به مجموعه شاه عباسی که در حکم یک فضای باز عمومی شهر است.



دوره زمانی	عناصر ویژه	ویژگی‌های اصلی
صفویه و قاجاریه	عملکردی	* اضافه شدن کاربری اصلی بخش‌های اضافه شده به استخوان‌بندی قدیم شهر شامل کاربری تجاری (بازار)، کاربری حکومتی و خدمات مربوط به آن (مجموعه شاه عباس) و دولت‌خانه.
	دسترسی	* ارتباط عناصر اصلی شهر توسط راسته بازار و گذرهای اصلی، * داشتن پنج دروازه شامل دروازه فین (جنوب غربی)، دروازه ملک آباد و دروازه حاجی آباد (شمال غربی، شمال شرقی)، دروازه دولت (شمال)، دروازه عطا (شرق)، دروازه درب اصفهان و دروازه لتحر (جنوب)، * برخوردار بودن محله‌های شهر به طور سنتی از نظم در سلسله مراتب فضاهای شهری، * اهمیت محله‌ها اطراف بازار و معبر اصلی شهر.

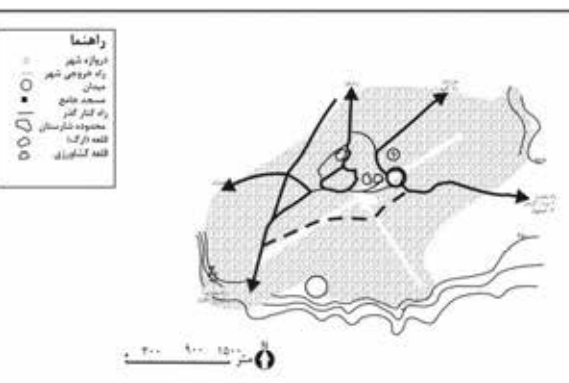
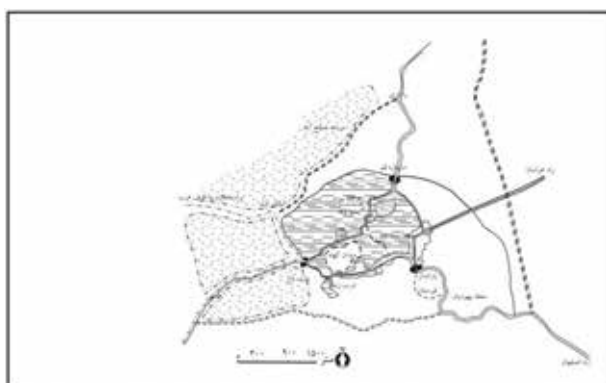
مأخذ: مهندسین نقش جهان پارس، ۱۳۹۰: ب: ۳۳ تا ۴۴



نقشه شماره ۱: نقشه شبکه معابر بافت قدیم شهر کاشان؛ مأخذ: شهرداری کاشان



نقشه شماره ۲: نقشه بازار شهر کاشان و محدوده حریم آن



نقشه شماره ۴: تصویر شهر اولیه کاشان در دوران آل بویه؛ مأخذ: بیرشک، ثریا: ۱۳۷۵ و ترسیم: نگارندگان

نقشه شماره ۳: نقشه توسعه شهر کاشان در اولین سال‌های هجری؛ مأخذ: بیرشک، ثریا: ۱۳۷۵ و ترسیم: نگارندگان

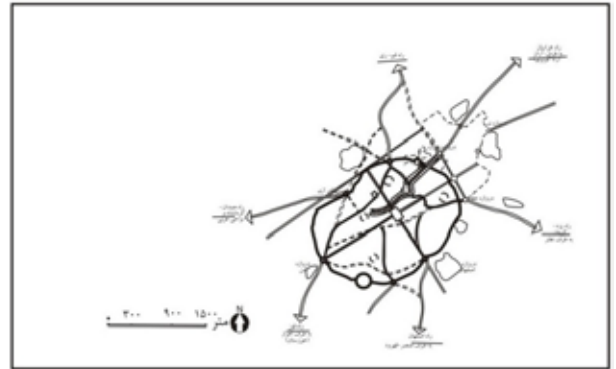
با شهرهای اطرافش (نیاسر، قمصر، بیدگل، نوش آباد، ابوزیدآباد) تقویت و به تدریج شبکه شهری به مرکزیت کاشان در منطقه ایجاد شد. شهر نیز در اطراف جاده‌های جدید ارتباطی و بیرون از بافت قدیم توسعه یافت. در حال حاضر بافت جدید، بافت قدیم را کاملاً در بر گرفته است. در ادامه مهم‌ترین اثرات مدرنیسم بر ساختار کالبدی شهر تشریح می‌شود.

الف- در هم شکستن اجتماع‌های محله‌ای

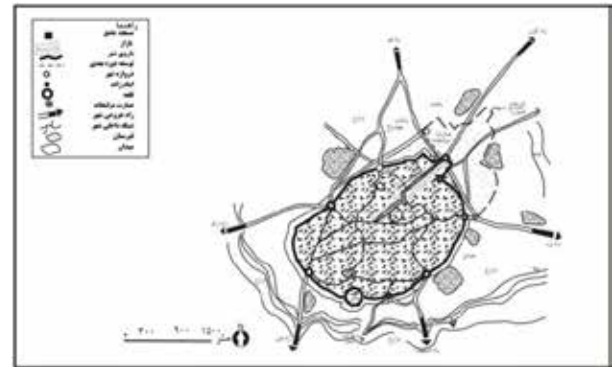
با توسعه و گسترش شهر به شکل معاصر خود، ساختار کالبدی و سازمان فضایی نیز تغییرات فراوانی کرد. در ساختار معاصر، دیگر واحد فضایی از ساختار اجتماعی-اقتصادی تبعیت نمی‌کرد. الگوی تقسیمات محله‌ها را شبکه معابر تعیین می‌کرد. در این چارچوب محله‌های قدیم تا حدود زیادی رنگ باختند و در برخی موارد شاکله خود را از دست دادند. معابر داخل بافت اگر در گذشته بر اساس واحد محله سازمان می‌یافتند و دارای سلسله مراتب خاص خود بودند، در ساختار بافت معاصر بدون توجه به عناصر تأثیرپذیر از خود، تنها در سطح شهر ارتباط برقرار می‌کنند. با استقرار شبکه صلیبی شکل معابر، پیوستگی شبکه معابر گذشته از هم گسسته و نظام محله‌ها به هم ریخت. بنابراین تحت تأثیر شهرسازی معاصر نخستین تغییرات در ساختار کالبدی شهری با فرو ریختن باروی قدیم شهر از سمت شرقی تحت تأثیر تقویت راه ارتباطی کاشان با شهرهای شمالی کشور و از جمله تهران به وجود آمد. از سال‌های ۱۳۳۰ نخستین اقدامات برای ایجاد خدمات زیربنایی و بهبود شبکه دسترسی‌ها در درون شهر به صورت احداث خیابان‌های سراسری و عریض آغاز شد که در نتیجه آن سیستم محله‌ای شهر به کلی دستخوش تغییر گردید (حائری و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۸۰).

ب- تقسیم‌بندی فضاهای شهری با توجه به امکانات اقتصادی به همراه ساختار پراکنده و چند هسته‌ای

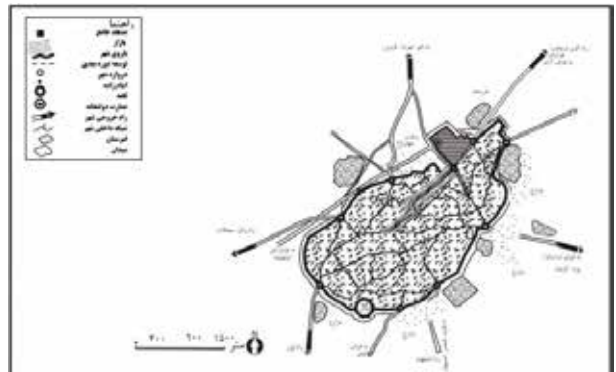
در این دوره با احداث و استقرار مراکز دولتی در بخش‌های نوساز و نواحی مناسب و ارائه خدمات بهتر به بافت‌های جدید، جدایی‌گزینی اجتماعی نمودی کالبدی یافت و مناطق فقیرنشین و اعیان‌نشین کاملاً از هم قابل تشخیص شدند. نظام محله‌ای در هم شکست و فضاهای مسکونی بدون توجه به فضاهای آموزشی، خدماتی و عمومی لازم گسترش یافتند. تغییر ساختار کالبدی شهر علاوه بر این که نظام و ساختار بافت قدیم را بر هم زد، تضعیف آن را نیز در پی داشت. با ایجاد و توسعه هسته‌های جمعیتی و خدماتی جدید در شهر، روند تخلیه جمعیتی در بافت سرعت گرفت. هم‌چنین در دهه‌های اخیر، شهرک‌های حاشیه‌ای که در اطراف بافت متراکم شهر شکل گرفتند، ساختار شهر را از حالت متمرکز و پیوسته به صورت پراکنده و غیر متمرکز تغییر داده‌اند. ایجاد هسته‌های جدید جمعیتی و به تبع آن ایجاد مراکز خدمات‌رسانی، ارتباطی و غیره در توسعه شهر موجب



نقشه شماره ۵: نقشه محدوده شهر کاشان در دوران سلجوقیان (قرن پنجم و ششم): مأخذ: بیرشک، ثریا: ۱۳۷۵ و ترسیم: نگارندگان



نقشه شماره ۶: نقشه توسعه شهر کاشان از قرن هفتم تا دوازدهم؛ مأخذ: بیرشک، ثریا: ۱۳۷۵ و ترسیم: نگارندگان



نقشه شماره ۷: نقشه توسعه شهر کاشان از قرن دوازدهم تا نیمه اول قرن چهاردهم ه. ق (دوران افشاریه - زندیه - قاجاریه); مأخذ: بیرشک، ثریا: ۱۳۷۵ و ترسیم: نگارندگان

کاشان و تأثیر مدرنیسم بر ساختار کالبدی شهر

در اوایل دهه اول قرن چهاردهم شمسی، در اثر تقویت راه ارتباطی بین کاشان و مراکز پر اهمیت کشور، مانند تهران و اصفهان، باروی شهر از سمت شمال شرقی تخریب شد. هم‌زمان با فروپاشی بارو اولین وقایع اقتصادی-سیاسی نوین روی داد. به عنوان مثال، در شهر کاشان در سال ۱۳۰۴ اداره ثبت احوال تأسیس شد. بانک ملی در سال ۱۳۱۳ در این شهر شعبه دایر کرد. در سال ۱۳۱۳ کارخانه‌ای به نام کارخانه ریسندگی و بافندگی با خرید اراضی مزروعی چسبیده به بارو، اولین تولید کارخانه‌ای را با حدود ۲۰۰ نفر کارگر به راه انداخت. در حدود سال‌های ۱۳۳۰ خیابان‌های سراسری در داخل بافت قدیم شهر احداث شد. ارتباط شهر کاشان

تغییر سازمان فضایی قدیمی و ایجاد سازمانی نو در بافت شده و مجموعه به هم پیوسته قدیمی اکنون به مجموعه‌ای چند هسته‌ای با بافت پراکنده تبدیل شده است.

ج - تقلید از ساخت و سازهای غربی و سعی در تشابه با بیگانه

شهرسازی دوران معاصر با به ارمغان آوردن خیابان و فلکه و هم‌چنین با توسعه مرکزیت اداری شهر و ایجاد ساختمان‌های غیر بومی و محصور در فضای سبز لطمه‌های جبران‌ناپذیری بر بافت اندام‌وار شهر تاریخی کاشان وارد کرده است. به دنبال جایگزینی ساختمان‌های بومی و سنتی با ساختمان‌های جدید و اجرای برنامه‌های تعریض معابر که کیفیت دلپذیر فضاهای شهری و محله‌های قدیمی را از بین بردند، فرهنگ جامعه قابلیت آن را ندارد که از فرهنگ معماری گذشته به نحو مطلوب و شایسته تأثیر بگیرد. بنابراین ساختار تاریخی شهر از لحاظ کالبدی دچار آسیب‌های شدیدی شد. این آسیب‌های وارده که حاصل برداشت غلط و بی‌فکرانه از تکنولوژی وارداتی است، بسیار نگران‌کننده بوده است (مهندسین مشاور طرح و منظر، ۱۳۸۳: ۴۱ و ۴۸). به طور کلی تأثیر مدرنیسم بر ساختار کالبدی-فضایی شهر تاریخی کاشان تا به امروز طی سه دوره صورت گرفته است.

دوران اول توسعه شهر (از اوایل دوره رضا شاه تا اوایل دهه ۴۰)

در دوره پهلوی اول کاشان نیز همانند دیگر شهرهای ایران دستخوش تغییراتی در سازمان شهری شد. در این دوره خیابان‌های جدیدی در بافت اندام‌وار شهر احداث و حتی قسمتی از بازار به خیابان تبدیل شد و خیابان‌های جدید از دل پاره‌ای از محله‌های قدیمی گذشتند. شهرسازی دوران معاصر با به ارمغان آوردن خیابان و فلکه و توسعه مرکزیت اداری شهر و ایجاد ساختمان‌های غیر بومی و توسعه بدون ضابطه حریم شهر، لطمه‌های جبران‌ناپذیری بر بافت اندام‌وار (از لحاظ کالبدی، اجتماعی، اقتصادی) شهر وارد آورد. استخوان‌بندی جدید شهر از الگوی معینی تبعیت نکرد، زیرا عناصر متشکله آن در هم جواری راه‌های اصلی شهر که الگویی شبکه‌ای داشت واقع شدند. عناصر و کاربری‌های جدید الاحداث دارای بافتی باز و متشکل از ساختمان‌های پراکنده در فضای باز و یا هم‌جوار بافت‌های نسبتاً منظم جدید بودند و از بافت قدیمی استخوان‌بندی اصلی شهر تبعیت نکردند (مهندسین نقش جهان پارس، ۱۳۹۰: ۴۴ تا ۴۷). بافت جدید شهر از خیابان‌های نسبتاً عریض و ساختمان‌هایی از اسکلت فلزی و بتن آرمه شکل گرفته است. چهره بافت جدید در داخل بافت قدیم شهر نیز نفوذ کرده است، البته تنها در اطراف خیابان‌های تازه احداث شده، ساختمان‌های نوساز با فاصله حدود ۱۰ متر احداث شده است، لیکن پس از ۱۰ متر ساختمان‌های قدیمی هم‌چنان پا بر جا مانده‌اند؛ چنان‌که هم‌زیستی دو بافت قدیم و جدید کالبد معاصر شهر کاشان را تشکیل داده است (حائری و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۶۳).

در همین دوره و در سال ۱۳۱۲ بود که برای اولین بار و بر اساس

طرحی مشخص، احداث خیابان‌های پهلوی و صبا به اجرا در آمد. در پی احداث خیابان‌ها در شهر، مراکز تجاری در پیاده‌روهای کنار خیابان جای گرفتند و به تدریج نقش بازار در حیات شهر تضعیف شد. در این دوره، احداث و استقرار مراکز دولتی در بخش‌های نوساز و نواحی مناسب، منجر به تجزیه طبقاتی شهر شد. نقش عناصر مذهبی در فضای کالبدی شهر تضعیف شد و نظام محله‌ای در هم شکست (مهندسین نقش جهان پارس، ۱۳۹۰: الف: ۸).

از مهم‌ترین تحولات این دوره بر بافت قدیمی شهر کاشان می‌توان به این موارد اشاره کرد:

* در این دوره، محدوده بافت قدیم بر محدوده شهر منطبق است. غالب تحولات درون این بافت به صورت بسیار تدریجی و کند شکل می‌گیرد.

* ایجاد برش‌های صلیبی شکل، در داخل بافت و یک میدان پارک مانند (کمال الملک) در وسط بافت تاریخی.

* ایجاد شبکه اصلی دسترسی سواره (محور فین به داخل شهر و محور ترانزیتی اصفهان، کاشان و قم).

* ایجاد یک مجموعه عناصر جدید در خارج بافت قدیم مثل ایجاد کارخانه، راه آهن و غیره.

دوران دوم توسعه شهر (از اوایل دهه ۴۰ تا ۱۳۵۷)

همزمان با رشد شتابان شهرنشینی در کشور در دوران دوم، شهر کاشان نیز تحت تأثیر این تحولات در ساختار و کارکرد و کالبد دچار تغییرات عمده‌ای شد؛ به عبارت دیگر، شهرنشینی شتابان منجر به تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در شهر شد. این عوامل زمینه گسترش و توسعه کالبدی شهر را ایجاد کردند.

از منظر نقش سیاسی، با برقراری امنیت سراسری، کاشان عملکرد حاکم‌نشینی منطقه را از دست داد و به مرکز اداری-خدماتی شهرستان تبدیل شد. توسعه اداره‌ها در شهر، ضمن جذب بخشی از نیروی کار، مهاجرت را نیز تشویق کرد و بخشی از اراضی شهری را به خود اختصاص داد. در این دوره تمام فعالیت‌های بهداشتی - درمانی، آموزشی، ورزشی، اداری، فرهنگی و تجاری منطقه در شهر کاشان متمرکز شد و براین اساس کاشان در این دوره، شهری خدماتی نیز محسوب می‌شد.

از لحاظ تحولات اقتصادی، کارگاه‌های پارچه‌بافی در رقابت با منسوجات خارجی شکست خوردند و قالی‌بافی (دستی و ماشینی) به عنوان صنعت جایگزین مطرح شد. در این دوره، صنایع کارخانه‌ای نیز رونق گرفت و به تدریج توسعه یافت.

از نظر پیدایش حوزه و شبکه ارتباطی با عبور جاده‌های اصلی تهران-قم-اصفهان و تهران-قم-یزد از کاشان، روستاهای واقع در اطراف مسیر، ارتباطات قوی‌تری با شهر کاشان برقرار کردند. از سوی دیگر، رشد شهر به افزایش جمعیتی شهر و روستاهای اطرافش انجامید. بنابراین کاشان هم در شبکه شهری کشور جای خود را پیدا کرد و هم به مرکزی برای حوزه پیرامون خود تبدیل

مهاجر و کم درآمد تشکیل شده و سبب شکل گیری بافت‌های حاشیه‌ای و اسکان غیررسمی در قسمت از شهر شده است. مشخص‌ترین مصداق محله‌های جدید و نوساز شهر کاشان، محله ناجی آباد است. روند ساخت و ساز در بخش‌های مختلف آن به صورت پراکنده است. بافت این محدوده شطرنجی شکل گرفته است و ساختمان‌های مسکونی به دو صورت ویلایی و آپارتمانی (مجمع‌سازی) هستند. وجود روستاهایی هم چون فین بزرگ و کوچک، حسن آباد، طاهرآباد و خزاق در اطراف کاشان و توسعه محدوده‌های شهری سبب شکل گیری هسته‌های منفصلی با بافت‌های روستایی در محدوده شهری شده است. این بافت‌ها که عمدتاً در اطراف محور فین با وضعیت آب و هوایی مطلوب و باغ‌های فراوان و جاده قدیم قم - تهران قرار گرفته‌اند از لحاظ شبکه خیابان‌ها و دسترسی به عناصر خدماتی و تأسیسات و تجهیزات لازم از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند (مهندسين نقش جهان پارس، ۱۳۹۰: ۶۱-۶۰).

در مجموع الحاق محدوده‌های اطراف شهر باعث شد به دو صورت بر گسترش افقی و پراکنده شهر تأثیر بگذارد، اول آن که باعث شد بین محدوده قانونی و محدوده الحاقی، بورس بازی و سوداگری زمین به وجود بیاید و ساخت و سازها به سرعت در این بخش‌ها انجام شود. دوم آن که با الحاق زمین‌های پیرامون به شهر، تعدادی از روستاها و شهرک‌ها که در پیرامون شهر کاشان قرار داشتند در هر مرحله از الحاق جزء پیکره و بدنه شهر و بخش‌هایی از شهر به حساب آمدند.

جدول شماره ۳: محدوده‌های الحاقی به شهر کاشان طی مقاطع زمانی ۱۳۶۴ تا ۱۳۸۳

ردیف	محدوده الحاقی	سال تصویب
۱	روستای حسین آباد	۶۴/۵/۲۸
۲	زیدی	۶۴/۸/۲۵
۳	روستای لندر	۶۵/۵/۲۸
۴	فضای سبز و انبارهای جنوب شرق	۶۷/۴/۸
۵	پارک اداری	۶۸/۱۰/۱۳
۶	روستای فین کوچک و بزرگ	۷۱/۱/۲۹ و ۷۱/۱/۲۵
۷	فضای سبز تپه‌های سیلک	۷۱/۱۱/۱۱
۸	پایانه مسافری	۷۳/۲/۱
۹	شهرک خاتم الانبیا	۷۳/۲/۲۵
۱۰	آماده سازی فاز ۲ ناجی آباد	۸۳/۲/۲۵

مأخذ: مهندسين نقش جهان پارس، ۱۳۹۰: ۳

حرکت سازمان فضایی شهر کاشان به سمت نسوعی و آگریایی از مرکز و توسعه شعاعی در اطراف محورهای برون شهری: این نوع سازمان فضایی معاصر از یک سو منجر به تداوم تخریب و تخلیه بافت‌های تاریخی و ارزش مند و خروج ساکنان اصیل و بومی از بخش‌های مرکزی شهر و تمایل به سکونت در شهرک‌های

شد. هم‌چنین بهره‌مندی از مزیت دیگر یعنی راه آهن بین شهری از یک سو سبب شید، پر تحرک‌ترین محور ارتباطی شهر، محور شمال و جنوب گردد (که شهرهای تهران، قم، کاشان، نطنز، نایین، یزد و بندرعباس در این محور با یکدیگر مرتبط شدند) و از سوی دیگر، توسعه و گسترش کالبدی شهر نیز حول این محور اتفاق بیافتد. در مجموع باید گفت در این دوران گسترش شهر در خارج از محدوده شهر در جهات شمال غربی به سوی فین، شمال شرقی و شرق تا حدودی و کم‌تر در جهت جنوب شرقی و جنوب ادامه پیدا کرد. این تحولات بسیار سریع بودند. مهاجران روستایی، هر گروه در همان مسیر که به شهر می‌آمدند، ساکن می‌شدند. بدین ترتیب شهر در خارج از محدوده اصلی به نحو بی‌سابقه‌ای گسترش یافت. علاوه بر این، کارخانه‌ها و صنایع مهم در حاشیه شهر توسعه پیدا کردند (مهندسين نقش جهان پارس، ۱۳۹۰: الف: ۹).

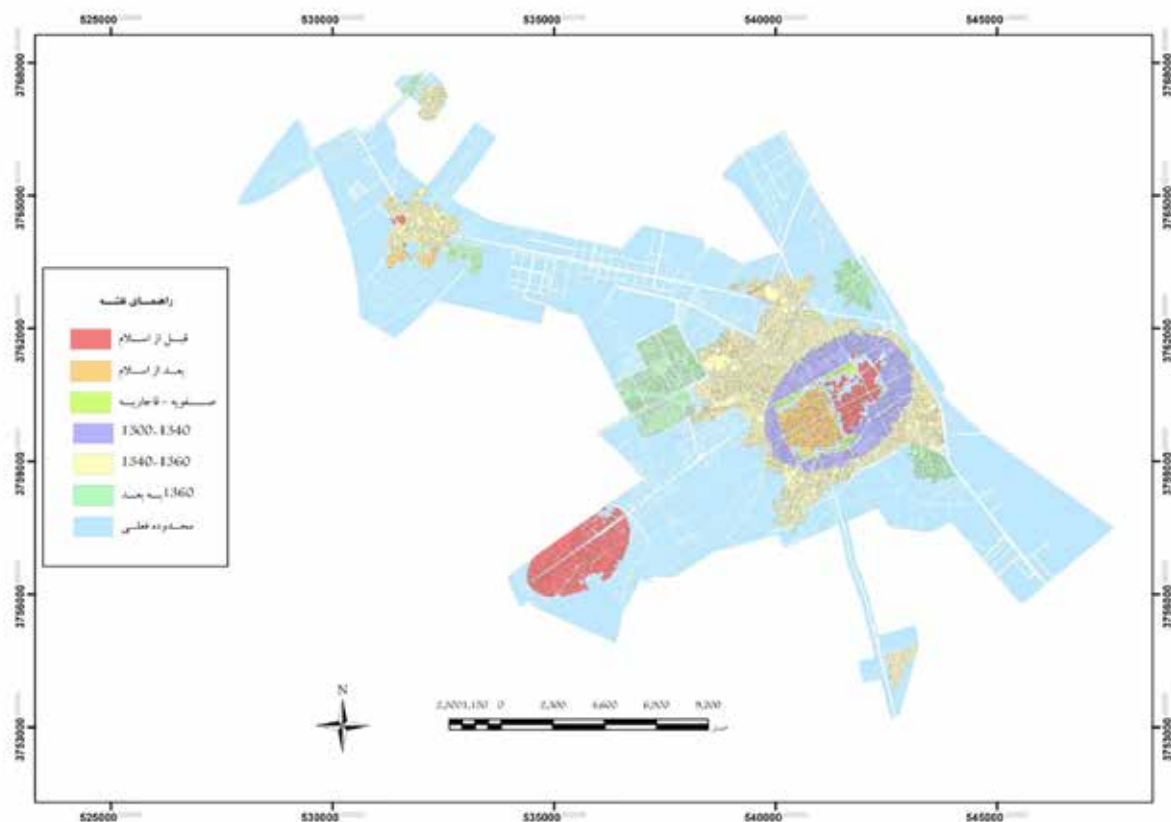
دوران سوم توسعه شهری (دوره پس از انقلاب تا حال حاضر)

در دوران سوم (پس از انقلاب) سیاست‌های محرومیت‌زدایی باعث شد، تا با ایجاد چند مرکز جمعیتی جدید، شهر گسترش بیش‌تری رو به جهت شمال شرقی و جنوب غربی پیدا کند. در این دوره که دوره بازنگری و انتقالی نامیده می‌شود، تلاش شد تا کاشان به مادرشهر تبدیل شود. اقداماتی مثل واگذاری زمین توسط سازمان زمین شهری و آماده‌سازی شهرک ناجی آباد ۱ و ۲، این جریان را سرعت بخشید و بدین ترتیب راه برای خروج جمعیت از هسته اصلی شهر هموارتر شد. ارائه خدمات به شهرک‌های پیرامونی به همراه مشکلاتی که در محدوده مرکزی شهر وجود داشت، باعث سرعت بخشیدن به تخلیه جمعیتی مرکز شهر شد. در مجموع شهر در این دوران به هسته‌های بزرگ و کوچک و پراکنده تبدیل شد (بیرشک، ۱۳۷۵: ۸۲). نقشه شماره ۸ گسترش کالبدی - فضایی شهر کاشان طی ادوار مختلف را نشان می‌دهد.

محله‌های جدید و محله‌های روستا - شهری دوران سوم

جهت توسعه شهر و اشکال فضایی جدید استقرار در ادامه بافت قدیم به سمت شمال و شمال غرب به صورت شعاعی - خطی بوده و در امتداد مسیرهای منتهی به شهر و در حاشیه شهر مرکزی شکل گرفته است. در قالب این گونه از توسعه‌ها در سال‌های اخیر محله‌های جدیدی شکل گرفته‌اند که عبارتند از: - محله‌های ناجی آباد (فاز یک و دو)، کوی فرهنگیان، کوی اداره گاز، ملک آباد که در امتداد بلوار امام رضا شکل گرفته‌اند. - محله‌های باهنر، شهرک انقلاب، هشت سی آباد، ولی عصر و آزادگان که در امتداد محور اصفهان، نطنز، قم، تهران شکل گرفته‌اند. - لندر که در بخش جنوب شرقی شهر شکل گرفته است.

نکته قابل ذکر این که، برخی از این محله‌های جدید هم چون ولی عصر، لندر و کارگر از بافتی متفاوت با دیگر محله‌های جدید برخوردارند و فقط به لحاظ قدمت می‌توان آنها را در ردیف محله‌های جدید گنجانند. این محله‌ها به دلایل مختلف از اقشار



نقشه شماره ۸: نقشه الگوی گسترش کالبدی - فضایی شهر کاشان طی ادوار مختلف؛ مأخذ نقشه پایه: شهرداری کاشان و ترسیم: نگارندگان

حاشیه‌ای و محور فین و جایگزینی مهاجران و اقشار کم درآمد در این بخش و بافت از شهر شده و از سوی دیگر باعث تداوم توسعه و گسترش غیر ضروری بافت‌های حاشیه‌ای با کیفیت پایین سکونت و ساختاری بی‌هویت در اراضی زراعی پیرامونی کاشان (عمدتاً در بخش‌های جنوب و جنوب غربی شهر) شده است.

نتیجه‌گیری

با ورود مدرنیسم به جهان اسلام بویژه در یک سده اخیر شهرهای کشورهای اسلامی با ژرف‌ترین دگرگونی‌ها در کارکرد، ساختار و کالبد روبه‌رو شده‌اند. ویژگی برجسته این مدرنیسم، عامل بیرونی و تحمیل مدرنیته غرب بوده است. بی‌گمان عامل تغییر شکل و ساختار فیزیکی شهرها، دگرگونی‌های ناشی از توسعه اقتصادی - اجتماعی و بویژه ادغام در اقتصاد جهانی بود. در ایران پیدایش شهرسازی معاصر به اواخر دوره قاجار برمی‌گردد و خاستگاه آن انتقال فرهنگ فریبنده غرب به جامعه درون‌گرای ایرانی بود. لذا از مهم‌ترین پیامدهای تأثیرات مدرنیسم بر معماری و شهرسازی شهرهای ایران می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

الف) تخریب حصار شهرها،

ب) تغییر بافت‌های اندام‌وار به اشکال هندسی،

ج) استفاده اقتصادی در معماری به سبک بساز و بفروش،

د) بهره‌گیری از تکنولوژی غربی در ترکیب با اقلیم و تکنولوژی سنتی،

ه) پیدایش سبک جدیدی از معماری تحت عنوان معماری سیمانی،

و) توجه به جنبه‌های عملکرد حوزه‌های متفاوت شهری به جای کیفیت فضاهای شهری و معماری موجود،
(ز) ایجاد شبکه‌های حمل و نقل شطرنجی، سریع و تک عملکردی.
در این زمینه، شهر تاریخی کاشان نیز تحت تأثیر این تحولات در ساختار و کارکرد و کالبد دچار تغییرات عمده‌ای گردید. نتایج حاصل از بررسی‌ها در خصوص ساختار، کارکرد و کالبد شهر کاشان در قبل و بعد از مدرنیسم نشان می‌دهد که سازمان فضایی گذشته تاریخی شهر کاشان را می‌توان تمرکزگرا، تک‌اندازی و هسته‌ای تشخیص داد. عناصر ساختاری این سازمان عبارت‌اند از: بازار و مراکز خدماتی پیرامونی آن به عنوان مرکز و قلب تپنده اقتصادی شهر و مسجد جامع که با احداث خیابان‌های اطراف بازار به صورت مربعی شکل می‌گرفتند. این مربع، پهنه تجاری و استخوان‌بندی اصلی شهر را شکل می‌داد و تمامی نیروهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فضایی را به سمت خود متمرکز و جهت‌گیری می‌کرد. این اندام یکپارچه و متمرکز تاکنون هم از قدرت زیادی برخوردار بوده و سازمان فضایی شهر را تحت تأثیر خود داده است. بر خلاف سازمان فضایی تمرکزگرای تاریخی کاشان، سازمان فضایی و روندها و گرایش‌های معاصر کاشان به سمت نوعی واگرایی از مرکز و توسعه شعاعی در اطراف محورهای برون‌شهری تمایل یافته که منجر به ساختاری کاملاً پراکنده و مرکزگرای شده است. بنابراین سازمان فضایی معاصر کاشان در قالب سازمان فضایی متمرکز در دو کانون

شهری کاشان و راوند و سازمان فضایی خطی- شعاعی و بسیار پراکنده که توسعه را در امتداد محورهای برون شهر شکل داده است. این نوع سازمان فضایی معاصر از یک سو منجر به تداوم تخریب و تخلیه بافت‌هایی تاریخی و ارزش مند و خروج ساکنان اصیل و بومی از بخش‌های مرکزی شهر و تمایل به سکونت در شهرک‌های حاشیه‌ای و محور فین و جایگزینی مهاجران و اقشار کم درآمد در این بخش و بافت از شهر شده و از سوی دیگر باعث تداوم توسعه و گسترش غیر ضروری بافت‌های حاشیه‌ای با کیفیت نازل سکونت و با ساختاری بی‌هویت در اراضی زراعی پیرامونی کاشان (عمدتاً در بخش‌های جنوب و جنوب غربی شهر) شده است. مجموع این نوع تحولات و گرایش‌ها بر سازمان فضایی شهر سبب شکل‌گیری توسعه فضایی ناپایدار به دلایلی هم چون میل به گسترش کالبدی و تعارض‌های فرمی و محتوایی توسعه شده است.

به طور کلی مهم‌ترین پیامدهای شهرسازی معاصر (مدرنیسم) بر ساختار کالبدی شهر تاریخی کاشان را می‌توان در موارد ذیل بر شمرد:

- الف) بر هم ریختن ساختار کلی و اندام‌وار (ارگانیک) شهر،
 - ب) شکستن و فرو ریختن حصار شهر قدیم،
 - ج) گسستن ارتباط معابر اصلی شهر،
 - د) شکسته شدن نظام محله‌ای و کم اهمیت شدن مراکز محله‌ها و رونق یافتن مراکز شهری جدید در اثر ایجاد شبکه ارتباطی شطرنجی،
 - ه) کم رنگ شدن نقش تجاری بازار که ستون فقرات ساختار شهر را تشکیل می‌داد،
 - و) ایجاد برش‌های صلیبی شکل در درون بافت تاریخی شهر،
 - ز) گسترش بی‌سابقه شهر در خارج از محدوده بافت قدیمی.
- بنابراین می‌توان نتیجه گرفت شهر تاریخی کاشان تا قبل از شهرسازی معاصر دارای ساختار شهری اندام‌وار با پشتوانه‌های قوی و پربار از جنبه‌های گوناگون هنر و ارزش‌های سنتی ایرانی و جهان‌بینی اسلامی بود که در دوره معاصر به دلیل حاکم شدن مدرنیته در شهرها و عدم توجه به بنیادهای فرهنگی و تاریخی شهر و عوامل گوناگون مادی مؤثر بر آن، ساخت منسجم و متمرکز شهر تاریخی جای خود را به ساختار پراکنده و چند هسته‌ای جدید داده است، اما از آنجا که پیشرفت تکنولوژی ضرورتی است که از آن نمی‌توان چشم پوشید و از طرفی هم این عامل نباید ارزش‌های فرهنگی و تاریخی شهر را دست‌خوش مخاطره نماید، لذا آن چه که می‌باید به عنوان یک برنامه سراسری و هماهنگ شئون اجتماعی عمل نماید، تلفیق این دو عامل در ایجاد محیطی مناسب و انسانی در شهر است. لذا با عنایت به پیامدهای مدرنیسم در تغییر الگوی ساخت شهر امروزی کاشان و پیدایش مشکلات و بحران‌هایی هم‌چون مصرف‌گرایی،

مشکلات محیط زیستی، گسیختگی و بحران هویت در انسان امروزی، تقدس‌زدایی، شتاب، تکنولوژی مخرب و بی‌عدالتی در شهر، مسؤولان و مدیران شهری باید به ساخت و الگوهای توسعه شهر بر اساس منابع دینی و فرهنگ غنی معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی و متناسب‌سازی آن با نیازهای پیچیده و گوناگون انسان معاصر و پیشرفته همت نمایند.

فهرست منابع و مراجع

۱. بیرشک، ثریا (۱۳۷۵)، *طرح محور فرهنگی، تاریخی کاشان*، جلد ۱ تا ۴، اداره میراث فرهنگی کاشان.
۲. پاپلی یزدی، محمد حسین و رجیبی سناجردی، حسین (۱۳۸۲)، *نظریه‌های شهر و پیرامون*، انتشارات سمت، تهران.
۳. پوراحمد، احمد و یزدانی، محمد حسن (۱۳۸۴)، «تأثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهر ایرانی - اسلامی، نمونه تبریز»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۸۴.
۴. پوراحمد، احمد؛ فرجی، امین؛ منوچهری میان‌دوآب، ایوب و عظیمی، آزاده (۱۳۹۰)، «تأثیر مدرنیسم بر توسعه فضایی - کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی (نمونه تهران)»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی*، سال دوم، شماره ششم.
۵. جابری مقدم، مرتضی (۱۳۸۴)، *شهر و مدرنیته*، فرهنگستان هنر اسلامی، تهران.
۶. جمشیدی، جواد (۱۳۹۱)، *شهر دوره اسلامی*، <https://www.noandishaan.com/forums/thread3950.html>
۷. حائری، محمد رضا؛ اعتماد، گیتی و حسامیان، فرخ (۱۳۸۳)، *شهرنشینی در ایران*، چاپ چهارم، انتشارات آگاه، تهران.
۸. حسین زاده دلیر و کریم، هوشیار، حسن (۱۳۸۴)، «مدرنیسم و تأثیر آن بر معماری و شهرسازی ایران»، *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، شماره ۱۹.
۹. رحیمی، حسین (۱۳۸۴)، «در جستجوی شهر اسلامی پایدار»، *مجله پیک نور*، سال پنجم، شماره دوم.
۱۰. ضربایی، اصغر و علی نژاد طیبی، کاووس (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر عناصر و کاربردهای شهری در شهرهای اسلامی»، *کتاب ماه هنر*، شماره ۱۴۳.
۱۱. غلامی، یونس (۱۳۹۱)، *تحلیلی بر فضاهای شهری موجود برای رسیدن به الگوی شهر ایرانی- اسلامی (نمونه موردی: شهر اصفهان)*، پایان‌نامه دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان.
۱۲. قالیباف، محمد باقر و پورموسوی، سید موسی (۱۳۸۶)، «شهرهای جهان اسلام و رویایی با نوگرایی (مدرنیسم)»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۳۸-۲۳۷.
۱۳. کلاتتری خلیل آباد حسین؛ صالحی، سید احمد و رستمی، قهرمان (۱۳۸۹)، «نقش تاریخی وقف در شکل‌گیری شهر اسلامی (مطالعه موردی شهر اصفهان)»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی*، شماره اول.
۱۴. متولی، صدرالدین و شیخ اعظمی، علی (۱۳۹۲)، «سیر تحول فضاهای شهری سنتی در شهرهای ایرانی - اسلامی؛ قبل از مدرنیسم تا پست مدرن»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی*، شماره چهاردهم.
۱۵. مشهدیزاده دهقانسی، ناصر (۱۳۷۴)، *تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران*، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۱۶. مهندسین مشاور طرح و منظر (۱۳۸۳)، *برنامه راهبردی حفظ، احیاء و باززنده سازی بافت با ارزش*، شهرداری کاشان، کاشان.

۱۷. مهندسین نقش جهان پارس (۱۳۹۰ الف)، **طرح توسعه و عمران (جامع) شهر کاشان**، بررسی و شناخت شهر (جلد دوم).
۱۸. ----- (۱۳۹۰ ب)، **طرح توسعه و عمران (جامع) شهر کاشان**، مطالعات کالبدی (جلد سوم).
۱۹. میرمحمدی، حمیدرضا (۱۳۷۵)، «سیما و بافت شهرهای اسلامی»، **فصلنامه مشکوٰه**، شماره ۵۳.
۲۰. نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۸)، «رابطه هویت سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی»، **فصلنامه هنرهای زیبا**، شماره ۷.
۲۱. ----- (۱۳۸۷)، **شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)**، اصفهان، انتشارات مانی.
۲۲. یزدگرد، فاطمه (۱۳۹۰)، «بازآفرینی پایداری با تأکید بر نقش طبیعت در ساختار کالبدی شهرهای ایرانی- اسلامی (بررسی موردی رودره مقصود بیک تهران)»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی**، شماره پنجم.
23. Burckhardt, Titus (1992), **Fez: City of Islam**, The Islamic Texts Society, Cambridg.
24. Goodchild, B.(1990), "Planning and the Modern" Postmodern Debate, in **The Town Planning Review**, vol. 61, no. 2.
25. Hatuka, T & D'Hooghe, A.(2007), "After Postmodernism: readdressing the Role of Utopia in Urban Design and Planning", **Forum of Design for the Public Realm**, vol. 19, Issue 2.
26. Irving, A.(1993), "The Modern/Postmodern Divide and Urban Planning", **The University of Toronto Quareterly**, vol. 62, no. 4.
27. Kahera, Akel Ismail (1997), **Building, Dwellingand Reasoning: A Discourse on Maliki Legal Practice and the Ordering of Habitat in the MedievalMaghrib**, Unpublished PhD Dissertation, Princeton University.